



فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrivand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
کد پستی: ۱۴۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱
تلفن روابط عمومی: ۴۴۹۵۶۱۰۹
چاپ: جام جم
توزیع: شرکت دنیای اقتصاد تابان
تلفن: ۸۷۷۶۲۲۰۰
امور شهرستانها: ۸۷۷۶۲۲۰۱
تلفن سازمان آگهیها: ۲-۴۴۹۵۶۲۰۰
فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

میتوان نام اخلاق حرفه‌ای روزنامه شهرود را در سایت بخوانید

http://shahrivand-newspaper.ir/
Misagh_Name

telegram.me/Shahrivand_Newspaper
instagram.com/Shahrivand-Newspaper

ایمیل صفحه آخر: safhehakhir@shahrivand-newspaper.ir

تقویم تاریخ

رخداد
محکوم شدن لویی شانزدهم شاه فرانسه به اعدام با گیوتین بعد از تشخیص خیانت توسط مجمع ملی این کشور (۱۷۹۳ میلادی)
آغاز بنای برج ایفل در شهر پاریس به دست مهندس گوستاو ایفل (۱۸۸۷ میلادی)
به آب اندازی یسواس ناتیلیوس، نخستین زیر دریایی هسته‌ای دنیا در ایالات متحده آمریکا (۱۹۵۴ میلادی)
تقسیم ایران به ۱۷ استان و ۱۴۸ شهرستان (۱۳۳۹ خورشیدی)
آغاز خدمات تجاری و دور پرواز هواپیمای کنکور در خطوط لندن/ بحرین و پاریس اریو (۱۹۷۶ میلادی)

طلوع
شارل پنجم - ملقب به شارل خردمند، پادشاه فرانسه از ۱۳۶۴ تا هنگام مرگش در ۱۳۸۰ میلادی، از علما ن رود فرانسه به جنگ‌های ۱۰۰ ساله با انگلستان (۱۳۳۸ میلادی)
گریگوری راسپوتین - راهب ماجراجو و سیاستمدار روسی، از افراد تاثیر گذار بر دربار نیکلای دوم آخرین تزار روسیه (۱۸۶۹ میلادی)
پیتر پیرم سوروکین - جامعه‌شناس آمریکایی روس تبار، بنیانگذار تئوری تقارب در علم جامعه‌شناسی (۱۸۸۹ میلادی)

غروب
ولادیمیر لنین - رهبر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و بنیانگذار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، مرگ بر اثر سکتة مغزی (۱۹۲۴ میلادی)
کامیلو گولگی - زیست‌شناس ایتالیایی، برنده جایزه نوبل فیزیولوژی و پزشکی (۱۹۲۶ میلادی)
جرج اورول - داستان‌نویس و شاعر انگلیسی، صاحب اثری چون: ۱۹۸۴، مزرعه حیوانات (۱۹۵۰ میلادی)
سیسیل بی دومیل - تهیه‌کننده کارگردان آمریکایی، برنده جایزه اسکار و تهیه‌کننده برخی فیلم‌های برجسته تاریخ سینما چون: ده فرمان، کلونواتر، شاه‌شاهان (۱۹۵۹ میلادی)

قاب کوچک



✓ در نقلیه‌ها هواپیمای خطوط هوایی تر کیرا، یکمیک هفته قبل با ۱۶۲ مسافر از باند فرودگاه ترابوزان خارج و به سمت دریا منتر فاشده بود، بی‌رویی باند پرواز باز می‌گرداند. عکس: Anadolu Agency

این شرح بی‌نهایت

آدمی از پرهیزگاران نمی‌شود مگر این که حسابرسی او از نفسش سخت‌تر از حساب کشیدن او از شریکش باشد.

بحر عشق

در دلم تبارق عشق او بیجست
رفوق بازار زهد من شکست
چون مرامی دیددل برخاسته
دل ز من پر بود و در جانم نشست
خنجر خون‌ریز او خونم بریخت
نلوک سر تیز او جانم بختست
آتش عشقش ز غیرت بر دل
تاختن آورد همچون شیر مست
بانگ بر من زد که‌های ناحق شناس
دل به ماده چند باشی بت پرست
گر سر هستی ماداری تمام
در ره مانیتست گردان هر چه هست
هر که او در هستی مانیتست شد
دایم از ننگ وجود خویش رست
می‌ندانای که چه ماندی در حجاب
پرده هستی توره بر تو بست
مرغ دل چون واقف اسرار گشت
می‌تپید از شوق چون ماهی بیشتست
بر امید این گهر در بحر عشق
غرقه شد و آن گورهرش نامده به دست
آخر این نومیدی‌ای عطار چیست
تو نه‌ای مردانه همتای تو هست
عطر

حرف روز

چشم و گوش را ببندیم!

دست‌ماجرای افزون بر این که دمار از روزگار سلول‌های عصبی مردم در می‌آورد، به تولید خشونت و رنجش نیز دامن می‌زند در همین دو ماجرا می‌شود ضعف‌های اساسی اداره کشور را نشان داد: از فقدان نظارت درست بر دستگاه‌های دولتی گرفته تا نادیده گرفتن بخشی از نیازهای شهروندان در سیاست‌گذاری‌ها و عدم گردش آزاد اطلاعات و... در این دو رویداد کاملاً به چشم می‌آید این ضعف‌ها آنچه‌ان رگ و پی جامعه را در نوردیده‌است. با پنس جراحی و دستگیر کردن مفصل اقتصادی مثل بانک زنجانی‌ها و افشاکاری‌های گاه‌بوی گاه‌فان مسئول و بهمان‌وزیر در درمان نخواهد شد. این روزها که ذهن و ضمیر شهروندان از پرسش‌های بی‌شماری گرانبار است، این دست‌رویدادها آنچه‌ان که گفته آمد نتایج می‌تواند بر میزان دل‌چرکینی‌ها بیفزاید و زمینه رفتارهای خشن را تدارک ببیند. مردم امروز بیش از هر چیزی درک متقابل از سوی مدیران جامعه چشم دارند. ساختن کشتی مطلقاً با هزینه گزاف در زمانه‌ای که میلیون‌ها تحصیلکرده بیکار سربار خود و خانواده‌هایشان هستند، هر چه باشد نشان از درک متقابل مدیران مردم نیست! افشاکاری‌های غیرپه‌دانشی، عصبی و ناگهانی در شرایطی که شهروندان گرفتار هزاران چالش بزرگ و کوچک روزانه هستند و اعصابشان پیوسته تحت فشار است، در تحلیل نهایه در مان وقت هم نیست و دردی را از جامعه دوانمی‌کند و چنین مشکلات ما را نمی‌کسلد! در شرایط پیچیده امروز، به‌جاست مدیران کشور وسواس بیشتری نسبت به حساسیت‌های مردم از خود نشان دهند و گوش و چشم را بر واقعیت‌های همه‌جا حاضر کشور نبینند! مردم همچنان منتظر دریافت کردن نشانه‌های مثبت از سوی اداره‌کنندگان جامعه نیستند!؛ حق است که سیاست‌گذاران جامعه بیش از این آنها را چشم‌انتظار نگذارند!



مهدی مالیری
روزنامه‌نگار

در روزهای گذشته دو رویداد به وقوع پیوست که حرف و حدیث‌های فراوانی را در میان مردم به راه انداخت. نخست افشاکاری شهردار کنونی تهران بر علیه عملکرد شهردار پیشین و دیگری ساخت کشتی مطلاقی قرآنی. نکته‌ای که این دو ماجرا را به هم نزدیک می‌کند این است که در شرایطی که هنوز چند روزی از شلوغی‌های اوایل دی ماه امسال گذشته و مردم همچنان در انتظار سیگنال‌های مثبت از سوی مدیران جامعه نیستند، این دو ماجرا نشان‌دهنده‌ای بر آتش هزاران پرسش مردم نیستند. اینکه مردم را تیزتر کرد، چرا در شرایطی که در کشور هزاران نیازمند قوت لایموت روزانه هستند، برخی به خود اجازه دست‌زدن به چنین تجملاتی مثل ساختن کشتی مطلاقی قرآنی می‌دهند؟ آن هم در حال‌وهوایی که هیچ مرجع مذهبی این خاصه خرجی‌ها را مجاز ندانسته است و اساساً گوهر دین اسلام با چنین نمایش‌هایی سخت بیگانه است! چرا مدیری که با هر عینکی به کارنامه او بنگریم جزو ورشکستگان به تقصیر به شمار می‌رود و شهیر تهران را به جنگلی از بتون‌رزه و چه به چاه بدل کرده است، در شرایط معیف دستگاه‌های نظارتی وعدم پاسخگویی به مردم، به ناگاه نوای ریاست‌جمهوری ساز می‌کند؟! چرا در جامعه ما هر مدیری یک ویرانه یا زمین سوخته از مدیران پیش از خود تحویل می‌گیرد و پرسش بزرگ‌ترین که چرا در کشور ما روند آرام اطلاع‌رسانی که لازمه امنیت روانی شهروندان است تبدیل به افشاکاری‌های اعصاب‌کوب می‌شود؟ این

نگاه

در حاشیه برگزاری یک گردهمایی

افروغ‌السادات بنی‌هاشم | کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

موضوع مهاجرت از روستا به شهر و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، هر روز جزئی‌تر می‌شود و آسیب‌های ناشی از آن نیز ابعاد وسیع‌تری می‌یابد. می‌گویند یکی از نشانه‌های کارآمدی دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی غیردولتی نحوه مواجهه آنها با مسائل، توفیق در راهی راه‌حل و نهایتاً حل مسأله و راهی از آن است. چنانچه این پرسش را به‌بیریم به‌منظر می‌رسد، نمره قابل‌قبولی در این زمینه نداریم. مسائلی زیادی داریم که سال‌های متمادی مطرح می‌شوند و سازمان‌ها و نهادهای متعدد در بیان مسأله و توضیح و تشریح آن از هم سبقت می‌گیرند، راه‌حل‌های زیادی هم ارائه می‌کنند اما هر گاه به پشت‌سرمان نگاه می‌کنیم، می‌گوییم دریغ از پارسل. چرا که نه‌تنها مسأله حل نشده، بلکه با ابعاد بزرگ‌تری رخ داده است. به‌رغم راه‌حل‌هایی که در قالب سیاست، برنامه و اقدام ارائه می‌شود، در عمل انشقاق خاصی نمی‌افتد و بیکاری، کاهش رونق اقتصادی شهرهای کوچک، بی‌انگیزی و نهایتاً ترک شهر و دیار به امید دسترسی به شرایط بهتر، جریان غم‌انگیزی است که بی‌وقفه ادامه دارد. متمرکز کردن همه برنامه‌ها، امکانات و خدمات در چند شهر بزرگ به‌ویژه در پایتخت، به این جریان معیوب تداوم می‌بخشد. از یک طرف از تمرکزگرایی و تبعات آن که به‌صورت آلودگی هوا، صدات، ترافیک و اتلاف وقت و زمان رخ می‌دهد، می‌تایم و از سوی دیگر کلیه فعالیت‌ها را به صورت متمرکز انجام می‌دهیم. هر روز افراد زیادی از اقصی نقاط کشور برای شرکت در گردهمایی، همایش، کنگره و... در شهرهای بزرگ جمع می‌شوند که این خود، بار مضاعفی است بر دوش مشکلات این شهرها. هیچ‌گاه از خود پرسیده‌ایم سهم هر یک از ما و سازمان‌ها به‌عنوان دستگاه‌های دولتی در بروز و ظهور این مسائل چقدر است و چه نقشی در حل این مسائل می‌توانیم داشته باشیم. بر حسب عادت همه برای دیگران نسخه می‌نویسیم، معمولاً

همه قصور و تقصیرها از دیگران است و تمام راحل‌ها هم متوجه آنها هرگز اندیشیده‌ایم که آن دیگری کیست؟ آیا ما هم می‌توانیم چیزی از آن دیگری باشیم. تجربه سازمان مادر برگزار می‌گردد آموزشی گروه در شهر دامغان ایجاد تاثیر گذاری برنامه‌ها و تصمیمات سازمان‌های دولتی را در معرفی و رونق اقتصاد این شهرها به خوبی نشان می‌دهد. داستان از آن‌جا شروع شد که قرار شد دوره آموزشی، آموزش آموزگاران برای توانمندسازی زنان روستایی و عشایری در عملیات خوب کشاورزی (GAP) با همکاری سازمان بهروری ملی و با حضور ۵۰ نفر از کلیه استان‌ها استانی از کشور مالزی برگزار شود. طبق عادت همیشه تصمیم بر آن شد که مراسم در تهران باشد. اما با توجه به آلودگی هوا و با عنایت به این نکته که هر کدام از ما باید سهم‌مان را در تولید آلودگی خود تعریف کنیم و به کاهش آن متعهد باشیم. با توجه به آلودگی‌های مداوم هفته‌های گذشته، در آخرین لحظه مکان برگزاری را از تهران به مرکز آموزش رسول اکرم (ص) دامغان که مجتمع بزرگ آموزشی با امکانات اسکان، پذیرایی و کلاس بوده است، تغییر دادیم. این مجتمع آموزشی با ۲۴۰۰ متر مربع زیربنای دارای کتابخانه مجهز، آزمایشگاه، سالن آمفی تئاتر، سالن جلسه و کلاس‌های متعدد است. به علاوه فضای سبز بسیار بزرگ و مفرحی بخش‌های مختلف آموزشی، اداری و خوابگاهی را از هم جدا می‌کند. افتتاحیه این دوره آموزشی با حضور مسئولانی از ستاد و استان برگزار شد و با توجه به حضور مسئولان از سوی سیمای استان پوشش خبری گسترده‌ای یافت. یکی از برنامه‌های مرکز آموزش برای شرکت کنندگان دوره، ضیافت شام در اماکن بومی شهر دامغان بود. فضای سنتی همراه با غذای بومی و نمادهایی از زندگی گذشتگان و تولیدات و صنایع دستی، فضای مفرح و زیبایی ایجاد کرده بود که مورد استقبال همه قرار گرفت و بیشتر از همه استاد

از هر دری سخنی

مفهوم اقتصاد

در شهری درست هنگامی که همه در یک بدهکاری به سر می‌برند و هر کدام بر مبنای اعتبارشان زندگی را گذران می‌کنند و پولی در بساط هیچ‌کس نیست، تاگهان، یک‌مرد بسیار ثروتمندی به شهر می‌آید و وارد تنها هتلی که در این شهر ساحلی است می‌شود، اسکانی ۱۰۰ یورویی را برای پیشخوان هتلی می‌گذارد و برای بازید اتاق هتل و انتخاب آن به طبقه بالا می‌رود. صاحب هتل اسکانس را بر می‌دارد و در این فاصله می‌رود و پهنی خود را به قصاب می‌پردازد. قصاب با عجله سریع دامدار می‌رود و پستان ۱۰۰ یورویی بدهی خود را به او می‌پردازد. دامدار هم اسکانس را به تأمین کننده خوراک دام که او برای گوشتفروشان بونجه و جو خرید کرده می‌دهد. بونجه فروش برای پرداخت بدهی خود، اسکانس ۱۰۰ یورویی را به شهرداری می‌برد و بابت عوارض ساخت و سازی که انجام داده می‌پردازد. حسابدار شهرداری اسکانس را با شتاب به هتل می‌آورد، زیرا شهرداری به صاحب هتل بدهکار است. زهرا هنگامی که چندبار از این پایتخت به این شهر آمدند یک شب در این هتل اقامت کرده بودند. حالا دوباره هتلدار اسکانس را روی پیشخوان خود دارد. در این هنگام توریست تروتمند پس از بازدید اتاق‌های هتل بر می‌گردد و اسکانس ۱۰۰ یورویی خود را بر می‌دارد و می‌گوید اتاق‌ها خوشش نیامده و شهر را ترک می‌کند. در این پروسه هیچ‌کس صاحب پول نشده است، ولی شهروندان ذکر شده دیگر به هم بدهی ندارند و همگی بدهی‌هایشان را پرداخته و تسویه حساب کرده‌اند. نتیجه اخلاقی: این است تعریف ساده اقتصاد. به همین دلیل است که می‌گویند انباشتن ثروت مجاز نیست و آن را باید به کار بگیری تا همه اجتماع از گردش پول بهره‌برند.

تجربه دیگران

روایه‌ای از شستری پرسید: «عمق این رودخانه چه اندازه است؟» شتر جواب داد: «تا زانو». وقتی رویه داخل رودخانه پرید، آب از سرش هم گذشت. رویه همین طور که دست و پای‌زده به شتر گفت: «تو که گفتی تا زانو!» شتر جواب داد: «بله، تا زانوی من، نه زانوی تو!» نتیجه اخلاقی: لزوماً هر تجربه‌ای که دیگران دارند برای ما مناسب نیست.

پیشخوان

گناهان کبیره، این بار «غضب»



کتاب غضب: هفت گناه کبیره» نوشته رابرت ای. اف. تورمن

کتاب «غضب: هفت گناه کبیره» نوشته رابرت ای. اف. تورمن با ترجمه مهین خالصی روانه نشر شده است. این کتاب بخشی از خطابه و مجموعه‌ای است که با مشارکت کتابخانه عمومی نیویورک و انتشارات دانشگاه آکسفورد در زمینه هفت گناه کبیره به چاپ رسیده است. هدف ناشر این بوده که در محققان و نویسندگان دعوت کند تا در مجلداتی جداگانه به طرز نوگوش و درک‌ماز شرو گناهان کبیره بپردازند. هر یک از نویسندگان بر آن بوده‌اند تا از طریق یافته‌های پیشین و معاصر به کشف تأثیر چالش‌های ادراکی و عملی بپردازند که هر یک از گناهان کبیره بر معنویت، اخلاق و زندگی روزمره ما اثر می‌گذارد. نویسنده در این کتاب دو دیدگاه درباره